

تاریخ نشر: ۲۰۱۱/۰۳/۳۰

نویسنده: رزاق (رحی)

دو خط موازی

اینک سیمای زندگی در جغرافیای ثروت های افسانوی خاور میانه و شمال افریقا زیر فشار منطق شورش ها و طغیان های سهمگین بر خاسته از متن انگیزه های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی و عوامل محیط پیرامون ان دگرگون می شود .

- عرب ها بر سکوی یک انتخاب درخشان تاریخی قامت راست می کنند . و آزادی عمل را در خیابان های خفته زیر چکمه های سکوت ناشی از تسلط سنتی حکمروایان مطلق العنان تجربه می کنند .

- خیابان ها در تموز خیزش های فرا گیر اجتماعی تجربه عظیم یک انتخاب دشوار اما ضرور تاریخی را بر دوش می کشند .

- خیابان ها اردهء ملیون ها انسان را برای برقراری تعادل اجتماعی عینیت می بخشند . خیابان ها جنازه بر دوش اند .

خیابان ها خونین اند .

- انسان ها - شعار ها - پرچم ها - تصاویر - صدا ها - شور و تهبج - مفاهیم عینیت یافتهء انگیزه هایی اند که در بستر شرایط ذهنی پرورش یافته اند .

- مسلمان و غیر مسلمان بر سجادهء خونین خیابان ها نفل های مقاومت و ایستادگی را مکرر می کنند .

انسوتر :

جنازه های عاریتی و تکبیر های کاذب در برزخ به خاکستر نشستهء یک برههء پر آشوب تاریخ خاور میانه بر گزار می شود .

و این فطرت خیزش های تاریخی است . زیرا خیزش ناب در تاریخ حرکت های بزرگ اجتماعی بندرت امکان بروز یافته اند .

اما آنچه مهم است تسلط و چیرگی یک گرایش عمومی بسمت بر گذاری خواست های بنیادی بی معطوف بر تغیر و تحول است که برا زندگی میابد .

گرچه این تحرکات بیشتر بستر های شهری و نیمه مدرن دارند اما بزودی دامنه ان لایه های مختلف اجتماعی را در جغرافیای شهر و ده تحت پوشش قرار داد .

دیده میشود که :

- سلیقه های شهر وده - اندیشه ودین - مذهب و سیاست و مکتب و مدرسه در محیط یک کلیت بهم گره خورده اراده و جمعی رنگ می بازند .

- روی این نتیجه گیری دنیای غرب که مسلمانان فقط شایسته بردگی و اطاعت اند و استعداد رهگشایی و رهایی برای گزینش بهتر را ندارند چلیپای بطلان کشیده میشود. - ناسیونالیزم عربی و اسلامی ملی شده بر خشونت های تنگ نظریاتی چیره میشوند .

- تفکر اصالت اسلام عرب به آ بگینه رنگین تکرر ، تعدد و تنوع تعویض میشود.

- بشارتی در راه هست که تمام وسایل وزمینة های دیکتات غرب را از سر راه عرب بر خواهد چید و افتاب رطوبت زده بازی های امریکا در اعماق نیل به غروب ابدی خواهد نشست.

- بازوی مفقود شده و گلوبالیزم در مفهوم حرکت های بزرگ قاره یی تعریف و باز یابی خواهد شد .

- نوعی باز گشت به مواضع مدرن اجتماعی در دنیای عرب جای بنیاد گرایی و خشونت را پر خواهد کرد .

- و بلاخره این تلقی نهادینه میشود که جریان بالنده مدرنیسم سیاسی در قالب های محدود گرایش های سنتی و تحزب ناشی از ان امکان جولان نخواهد یافت مگر آنکه میدان های باز فکر و اندیشه به روی حرکت های مدرن اجتماعی اغوش نگشایند .

جای شک نیست که گفتن سخن اخر در وضعیت نا پایدار کنونی و بحران های جاری خاور میانه کار دشوار است اما آنچه ما میتوانیم بگویم شاید اظهار خوشبینی بی قرین به واقعیت رخداد ها و پیامد ها و یا اظهار بد بینی بی قرین به واقعیت رخداد ها و پیامد ها باشد .

این درست است که خلیانان کشتی های قدرت در اعماق پرتاب شده اند اما سر نشینان همچنان در عرشه لمیده اند و هنوز عمده نجات (دزدان دریایی) در کمین اند .

- هنوز امریکا و غرب تحقق بر نامه امپراطوری خاور میانه را در سر می پروراند.

- هنوز نفوذ ناشی از سرمایه گذاری های غرب در دستکاه های امنیتی عرب فعلیت خود را از دست نداده است .

- هنوز موجودیت پایگاه های نظامی امریکا در خاور میانه و موقعیت عروس ناز دانه امریکا (اسرائیل) میتواند انگیزه پافشاری های امریکا بر تداوم سیاست های استیلا گرانه باشد .

- هنوز شعار (مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل) که باید از براننده ترین شعار های جریان تظا هرات و آرامش نسبی بعد از تظا هرات می بود بگونه مرموزی مفقود است .

- هنوز امریکا میتواند با تکیه بر نفوذ خود در ساختار های نظامی و استخبارات فرمان کودتا صادر کند و در نتیجه امواج توفان های اجتماعی در کویر کودتا ها رسوب کرده متوقف شوند . اگر چنین شود مصر نمونه نخستین و لیبیا بعد از سقوط نمونه دومین خواهد بود .

از سوی دیگر تا کنون گره این پرسش اساسی باز نگردیده است که :

۱- ماهیت این طغیان ها در کجا ریشه دارد ؟

۲- آیا امریکا یگانه بازیگر صحنه است ویا برنده و بازنده دیگری نیز وجود دارد؟

به ترتیب :

۱- عده این خیزش ها را خود جوش گفته اند ودرین حکم نسل نو جوان عرب را محور قرار داده اند . نسلی که در بستر تداوم استبداد خشن سه دههء خاور میانه حد اقل در دو دههء ان مفقود بوده اند وبا بلوغ فیزیکی آنان همه شرایط وبستر ها برای تغییر وتحول آماده میشود .

- سیاست گذاران ودولتمردان ایران این خیزش ها را بالندگی تداوم انقلاب اسلامی ایران میدانند که پس از سی ودو سال تا کناره های نیل بستر کشیده وجهانی شدن انقلاب ایران را به نمایش میگذارد .

- نظریه پردازان کمونیست ومارکسیت ها که با دیدن هر سیاهی یی بخیال (خیمه) لیلی می افتند انرا باز افرینی تعالیم مارکس وحضور مجدد اندیشه های انقلابی وی در بستر تعاملات پیچیدهء تاریخ میدانند وقانونمندی گشایش گرهء تضاد های طبقاتی را به ان پیوند میدهند که برگشت مجدد مارکس را بشارت میدهند .

البته نتیجه گیری های فوق هر کدام سوالات اساسی یی را ایجاد میکند که پاسخ طلب اند . این مسأله کلیدی ترین بحث ها را برای درک درست ماهیت خیزش های مذکور در برابر ما میگشاید .

شایدخیلی خوشبینانه ویا قبل از وقت خواهد بود اگر ماهیت این تحركات را (انقلابی) بسازیم . بهتر است این را آغاز یک انتخاب تاریخی بدانیم که مردم آزادی خود را بهدف نهادینه ساختن یک تحول ودگر گونی به تجربه گرفته اند که در صورت تحقق ان جهان شاهد سفیدترین انقلاب در عصر حاضر خواهند بود که بنیاد انرا نه ارزش های ایدلوجیک طبقاتی بلکه ارزش های ناسیونالیزم شفاف عاری از گرایش های مکتبی تشکیل خواهد داد .

فکر کنم حقیقت حوادث خاور میانه که بدون شک بساط عربی دارند شاید تجربه ویامجا د له ایست در میان آزادی ومحکومیت که در نسخهء یک دموگرافی نوین مسجل میشود . ویا دست مرموزی از انسوی (حکومت پنهانی جهان) به ماموریت امریکا در دنیای عرب خاتمه میدهد ویا بازیگر دگری به صحنه خواهد آمد .

ولی به هر حال شهامت و ایستادگی مردمان ازادهءعرب وتوفیق آنان در تامین جوشش های باوری بسمت یک هدف واحد قابل ارج گذاری وستایش فراوان است .

۲- ظاهرا در بحران خاور میانه ما به نوعی ازدحام سیاسی مواجه هستیم ولی این ازدحام نه تنها گمراه کننده نیست بلکه قابل رویت وشناسایی هم هست . ما به یک کثرت اغفال کننده مواجه نیستیم ؛ بلکه تشخیص ماهیت بازی و بازیگران دست اول در درون این کثرت ممکن است .

بدینگونه :

ایران وامریکا دو خط موازی در هندسهء خاور میانه اند که بدنبال دو استراتیجی بزرگ ، راه می افتند و محل تقاطعی نمی یابند .

- امریکا در پی تامین امپراطوری خویش در خاور میانه است.

- ایران هدف صدور انقلاب اسلامی را در خاور میانه تعقیب میکند .
- امریکا تسلط بر منابع نفت را منظور دارد .
- ایران پروگرام محدود ساختن میدان های استراتژیک امریکا در خاور میانه را عملی میسازد .
- سیاست مداران امریکا خاور میانهء بزرگ را مطرح میکنند .
- سیاست مداران ایران حوزهء تمدنی ایران را مطرح میکنند که در ساحهء خاور میانه بشدت اثر گذار است .
- سیاست مداران امریکا مدل شکنی میکنند .
- سیاست مداران ایران در پی مدل سازی اند .
- امریکا در پی رهبری منابع نفتی است .
- ایران ن در پی تامین زعامت منابع بشری مسلمان در خاور میانه است .
- امریکا در ساختار های نظامی نفوذ دارد .
- ایران در ذهنیت عامهء مسلمان خاور میانه سر مایه گذاری نموده است .
- مزید بر ان امریکا دو کلک افکار دارد که در همبور (انبور) امکانات ایران گیر مانده اند .
- بحرین : محل پایگاه نظامی امریکا که با شورش شیعیان انکشور امریکا را به سکوت در برابر آنچه در بحرین میگذرد وادار ساخته است .
- بحرین که در صداقت امریکامبنی بر وفا داری اش به دنیای عرب شک آورده است راهی بجز انتخاب ایرن ندارد . موجودیت بخشی بزرگ شعیه ها این حدس را به یقین مبدل خواهد کرد .
- اسرائیل : محل بزرگترین و اساسی ترین پایگاه نظامی امریکا در منطقه که تعویض حاکمیت ها و تداوم بحران خاور میانه - خطوط کمر بند امیتی انرا شدیداً زیر سوال میگیرد . ودر صورت افزایش نقش ایران در منطقه پروسه اسلامی سازی اسپای میانه به پروگرام تدارکات محاصرهء اسرائیل مبدل خواهد شد .
- با تغییر وضعیت سیاسی در مصر بزرگترین مانع بر سر راه منافع منطقوی ایران در هم خواهد ریخت . باز گشایی کانال سویز برای عبور کشتی های جنگی ایران آغاز این امید واری برای ایران است .
- اسمان مصر دیگر جولانگاه مناسبی برای عقا بان جنگی اسرائیل نخواهد بود تا کاروان های اسلحهء ایرانی را در خاک سودان ویا کشتی های حماس و حزب الله را نشانه بگیرد .
- اوضاع در بستر بحران خاور میانه طوری شکل می گیرند که ایران را بسمت دست یابی به پروگرام های جدید منطقوی تشویق میکند .
- اینک کاریز های مشرف بر اسپاب جنگ افغانستان در گودال بی ثباتی های سیاسی خاور میانه رسوب میکنند و ایران میتواند

با دستان باز راه توسعه حوزه تمدنی و مدل سازی را تعقیب کند .

امریکا که وضعیت کنونی را در دنیای عرب پیش بینی نکرده بود چنان خود را درین حوزه پراکنده ساخته است که جمع آمدن آن سخت زما نگیر است . و این پراکندگی که از خاور میانه تا افغانستان و عراق گسترش یافته است فرصت های را برای ایران باز خواهد کرد که به توسعه ماموریت های گسترده سیاسی - نظامی و اوپراتیفی خویش در منطقه دست یازد و کفاه ترازو را بسمت انحصار زمینه های استراتیجیک پایین آورد .

در صورتیکه :

موج خیزش های فراگیر خاور میانه و شمال آفریقا در زیر ریش اخوند های ایرانی نقب نزنند . درانصورت ایران نتنها مدلی را بجهان ارزانی نخواهد کرد ؛ بلکه خود در جدول طوفانی این بحران به صفر تقرب خواهد کرد .

و نیز این پرسش باقی میماند که :

خیزش های خاور میانه در جنبه بازی های (دزدان خلیج) به بیراهه خواهد رفت و یا امریکا در ازدحام تحولات خاور میانه خود را در قالب سیاست های جدید باز آفرینی خواهد کرد ؟؟؟؟؟ .